



سه بیانیه از سازمان مجاهدین خلق

درباره :

- اعدام انقلابی رئیس کمیته مشترک ساواک و شهریانی
سرتیپ جنایتکار رضا زندی پور
- اجرای حکم انقلابی اعدام مستشاران امریکائی
- عمل ناموفق اعدام دیپلمات امریکایی

اطلاعیه سیاسی - نظامی شماره ۲۱

درباره :

اعدام انقلابی

رئیس کمیته مشترک ساواک و شهرانی

سرتیپ جنایتکار رضا زندی پور

در ساعت ۷/۱۵ بامداد روز دوشنبه ۲۶

اسفند ماه ۵۳ ، حکم انقلابی اعدام رضا زندی پور
سرتیپ جنایتکار شهرانی و رئیس کمیته مشترک ساواک
و شهرانی ، توسط یک واحد از رزمندگان سا زمان
مجاهدین خلق ایران اجرا گردید .

رزمندگان ما بر اساس شناسائیهای مستمر و طرح
رهزی دقیق که بعمل آورده بودند ، اتومبیل حامل
سرتیپ خائن و محافظش را در خیابان فرح وادار به

توقف نموده و هر دو مزدور را به رگبار آتش خود
 بستند. با دقتهای لازمیکه در طراحی عمل صورت
 گرفته بود و همچنین تسلطی که رزمندگان ما بر صحنه
 عملیات داشتند، به پسر ۱۸ ساله سرتیپ جنایتکار
 که پشت سر پدرش در اتومبیل نشسته بود، هیچگونه
 آسیبی وارد نیامد. ما بدین ترتیب، یکبار دیگر به
 تمام مزدوران ساواک و شهربانی، به تمام نیروهای
 مسلح و غیر مسلحی که خود را به دستگاه طبقه حاکمه،
 به رژیم مزدور شاه خائن فروخته‌اند، اعلام کردیم که
 سلاحهای ما تنها سینه اربابان آنها و سینه کسانی
 را نشانه خواهد گرفت که آگاهانه در صف دشمنان
 خلق و استثمارگران درآمده و به شکنجه و کشتار مردم
 و انقلابیون ما میپردازند. همینطور کشته شدن
 محافظ رئیس کمیته بوسیله ما، بدین معناست که ما
 در راه ضربه زدن به منافع و عناصر پلید رژیم شاه
 جنایتکار، سینه هر کس را نیز که بعنوان مزدور رژیم

بخواهد از این حرکت انقلابی و مقدس جلوگیری بعمل
 آورد ، هدف گلوله های خویش قرار خواهیم داد .
 عملیات اعدام سرتیپ مزدور که همزمان با چهارمین
 سالگرد شهادت مجاهد شهید محمد رضا میرمحمد
 صادق انجام شد ، بنام طرح " میرمحمد صادق "
 نامگذاری شده بود . وی در اسفند ۵۰ در یک
 درگیری در حوالی میدان ۲۴ اسفند بدست مزدوران
 کمیته به شهادت رسید .
 مجاهدین علیرغم پلیسی بودن بیش از حد منطقه
 بدون اینکه با هیچ مانعی مواجه شوند ، سالم به
 پایگاههای خویش بازگشتند .

زندى پور که بود و چرا او را اعدام کردیم؟

سرتیپ معدوم ، یکی از وحشیترین مزدورانی
 بود که طی سالیانی دراز به شکنجه و کشتار مردم
 مبارز ما پرداخته بود . از زمان تاسیس اطلاعات

شهربانی و مخصوصا بعد از کودتای ننگین ۲۸ مرداد، یعنی بیش از ۲۰ سال، این مزدور مستقیمان در شکنجه های وحشیانه انقلابیون توسط اطلاعات شهربانی شرکت داشت، بطوریکه توانست پس از ابراز خوشخدمتی های فراوان به اربابان خونخوارش به معاونت اطلاعات شهربانی برسد. وی نقش بسزائی در تاسیس و سازماندهی کمیته مشترک ساواک و شهربانی، در اواخر سال ۵۰ داشت و به همین جهت بریاست این کمیته که اعضای آن از وحشیترین جلادان خود فروخته ساواک، شهربانی و سایر نیروهای مسلح انتخاب شده بودند، منصوب گشت. در مدت سه سال که از تاسیس کمیته باصطلاح ضد خرابکاری یعنی این مجمع آدمکشان و اوباشان شاه جنایتکار، میگذرد، او در راس مزدوران وحشی ساواک و اطلاعات شهربانی بجنایات متعددی دست یازید. بدستور شاه جنایتکار و تحت نظر مستقیم زندی

پور، این مزدور وحشو، بسیاری از انقلابیون مادرزیر
ضربات شلاق و یا بر روی اجاقهای الکتریکی بهلاکت
رسیدند و هزاران تن از مردم ما تحت ظالمانه ترین
شرایط، در زندانهای قرون وسطائی ساوان و شهرها
نوبه بند کشیده شدند. آزار و شکنجه زندانیان
سیاسی و انقلابیون ایران، امروز حد و مرز ندارد و
از این نظر این زندانها تابلوروشنی از جنایات
بیشمار این سگان دست پرورده امپریالیسم و شاه خائن
و از جمله تابلوروشنی از جنایات سرتیپ معدوم زندی
پور را نشان میدهد.

او هر روزه از سلول مبارزین رزمندهایکه در اسارت
این مزدوران قرار داشتند بازدید میکرد و مرتباً
دستوراتی در جهت تشدید شکنجه و آزار آنان صادر
مینمود، وحشوترین مزدورانی را که به شکنجه بیشتری
پردازخته بودند، تشویق میکرد و بیشرمانه با انقلابیون
ما توهین و آنانرا به شکنجه تا سرحد مرگ تهدید می

نمود . حکم انقلابی اعدام این مزدور جنایتکار که
از مدت‌ها پیش در دادگاه انقلابی خلق صادر شده
بود ، بالاخره در بامداد دوشنبه ۲۶ اسفند به‌مورد
اجرا گذارده شد .

عکس‌العمل رژیم شاه چه بود ؟

عمل انقلابی اعدام سرتیپ زندی پور و محافظ
او چنان وحشتی بر قلب رژیم شاه خائن و خیال
آوایشان ساواک و شهربانی انداخت که بلافاصله در
همان روز به‌تمام نیروهای خود آماده باش کامل داده
و تمام احکام مرخصی نیروهای پلیس را لغو کردند .
شهر در پوششی از پلیسهای مخفی ، از موتورسواران
سلح مخفی و گشتیهای کمیته و شهربانی ، قرار
گرفت تا با هرگونه عکس‌العمل احتمالی مردم مقابله
کرده و شاید بتوانند ضربه مقابلی بر انقلابیون وارد
سازند .

نوکران امپریالیسم در طبقه حاکمه ، از سگی که ۳۰ سال
منافع کثیف آنها را پاسداری کرده بود ، اینطور تجلیل
کردند .

رویداد رخش شدند

صادق کرد شد
بود که با هم
سپرد و سپاهی
زوج شد مجروح
رخش انتقال یافت
آوار گرفت و
نیز به پزشکی
قل شد
حادثه از طرف
می سرخس تحت

شد

ی صدای التماس
دیرو شدند این
پارسان انتقال
ان تأیید کردند
بر اثر گلوله
بودن بجاری
مردان

مرد مسلح يك سرتیپ و راننده اش را کشتند و فرار کردند

ساعت ۷:۲۰ پامداد دیروز
هنگامی که سرخس رضا زندی پور
بدانفاق راننده عازم محل کار
خود بود در یکی از خیابان های
فرعی خیابان فرح به وسیله چهار
نفر مسلح مورد حمله قرار
گرفت افراد مهاجم پس از آنکه
افسر مزبور و راننده را به قتل
رساندند و به تیرازی شدند مأمورین
با اطلاعاتی که از تهود قضیه
و سایر طرق بدست آورده اند
در تعقیب قاتلین میباشند .

در تصادف با پیکا کشته شد

گویا که کر ه الاغی سقط شده است!

قهر انقلابی ، تنها پاسخ اسلحه به قهر ضد انقلابی دیکتاتوری شاه :

اعدام یگو از مهمترین و قدیمترین چارهای سر
سپرده رژیم ، علیرغم محافظت‌هاییکه از او بعمل می‌آمد ،
یکبار دیگر باین دشمنان قسم خورده خلو ، به شان
خونخوار و دیگر سگان کاسه لیس امپریالیسم آمریکایی
دست پروردگان سرمایه داری زالو صفت و وابسته ایران
نشان داد که در مقابل قهر ضد انقلابی آنها ، در
مقابل استثمار و ستم بی حدی که سالیان دراز بر خلو
زحمتکن ما روا داشته اند ، اینک قهر انقلابی توده های
مبارز ما و پیشگامان انقلابی آنها قرار دارد ، اینک
زمان حاکمیت بی چون و چرای مزدوران سازمان امنیت
و دیکتاتوری سیاه پهلوی بسر رسیده است. خلو ما
راه رهائی خویش را در اعمال قهر انقلابی ، در مبارزه
مسلحانه علیه امپریالیسم جهانی و نوکران داخلی
بخوبی شناخته است. اعدام انقلابی زند د پور ، این

دشمن قسم خورده خلق، تایید دیگری بود بر این
 باور بازگشت ناپذیر. این اعدام مخصوصاً پاسخ
 مناسبی بود که پیشگامان انقلابی خلق در مقابل
 تشدید قهر ضد انقلابی رژیم مزدور شاه گذاردند.
 اکنون رژیم شاه خائن چون ماری زخم خورده،
 عملیات ضد انقلابی و تجاوز آشکار امپریالیستی و
 ارتجاعی خود را چه در سطح منطقه و چه در داخل
 تشدید کرده است. در سطح منطقه علناً به سرکوب
 خونین خلق مبارز ظفار پرداخته و بطور آشکار و نهان
 علیه مبارزان کرد، بلوچ و کشورهای مرفعی منطقه
 دست بتوطئه و تخریب زده است. در همان حال در
 داخل ایران، رژیم مزدور شاه با تشدید دیکتاتوری
 سیاه خود و با تشدید روز افزون سرکوب خونین توده
 های مبارز خلق، قصد دارد هر گونه صدای حق
 طلبانه و مخالفی را در حلقوم خفه کند.

توطئه جدید او تحت عنوان "حزب واحد رستاخیز ملی

ایران وجهه دیگری از این تشدید دیکتاتوری و خفقان است که دیگری حتی کوچکترین جایی برای لیبرالها و اقیما ندگان بورژوازی لیبرال هم نگذاشته است. شاه و رژیم مزد و شر اینبار آشکارا و با وقاحت تمام، طرح برد ساختن کامل ملت ایران را اعلام کرده اند. حزب رستاخیزی که شاه اعلام میکند چیزی نیست جز یک سیستم سیاسی متمرکز برای استثمار هر چه بیشتر خلق و در جهت تامین نیازهای سرمایه داری وابسته، حزب رستاخیز جز یک طرح پلیسی سامپریالیستی که خفقان بیشتر، سرکوب خونین تر، و بردگی بیشتر را برای خلق ما همراه دارد چیزی دیگری نیست. حزب رستاخیز چیزی نیست جز یک دستگاه عریض و طویل تر تفتیش عقاید. چیزی نیست جز تجلی آشکار دیکتاتوری سیامپهلوی که دیگر ماسک مسخره دیکراسی پارلمانی را هم بر چهره ندارد.

اینکه شاه توانست با یک نطق سرهم بندی شده از طرف سازمان امنیت، طومار حیات همه احزاب موجود در ایران را یکسبه درهم بپیچد، چه چیزی

جز پوشالو بود ، جز فرمایشی بودن و جز مسخره
 بودن این احزاب را می‌رساند ؟ جالب اینجاست که
 سردمداران همین احزاب فرمایشی فقط بعد از یسک
 نطو دوساعته ، خودشان به مسخره خودشان پرداخته
 خندند و ابراز تعجب می‌کنند که چگونه توانسته‌اند تا
 این مدت ، باین بازی مسخره مبارزه حزبی ادامه
 بدهند ؟

ایند شاه خائن و رژیم مزدور بیگانه‌اش - در
 آخرین صحنه بازی مسخره د مکر اسپشاش - چهره کامل
 و سیاه دیکتاتوری خود را در طرح پلیسو حزب
 رستاخیز بتماشا گذاشته‌اند (۱) بدین ترتیب دشمن
 بار دیگر و با شدت بیشتر تمام نیروهای بینابینی را
 در مقابل یک د و راهو تعیین کننده قرار داده‌است .
 نیروهاییکه بهر حال هم اکنون بین جنبش و ضد جنبش
 در نوسانند . نیروهاییکه هنوز به مشو مسلحانه به
 عنوان تنها راه رهائی خلق اعتماد استوار خود را

ابراز نکرده‌اند ، فقط در راه در پیش دارند : یا باید
با خلق بود و در راه رهائی او جنگید و یا با دشمن
خلق بود ، برده وار بر آستان او سجده آورد و ریزه
خوار سفره خون آلودشان گشت .

بدین ترتیب شاه خائن ورژیم مزدورس اینک هیچ
مفری ، هیچ ساحل امنی ، و هیچ راه وسطائی برای
چنین نیروهائی باقی نگذاشته‌اند . این امر از نظر
ما نه تنها پدیده ناگوار و بدی نیست بلکه پدید ه
بسیار خوبی هم هست . دشمن خود به مرزبندی بین
صفوف خود و صفوف خلق پرداخته است . البته این در
عین اینکه نشان دهنده فشار روزافزون نیروهای
انقلابی بر ورژیم است ، تدابیر جدید دشمن را در یک
آرایش جدیدتر جنگی و اطمینان از کمیت و کیفیت
نیروهایش را نیز برای حملات وحشیانه تر نشان می‌دهد
همچنین نشان می‌دهد که دشمن درین میان هیچ
موضع با اصطلاح بیطرفانه‌ای را هم تحمل نخواهد کرد .

او اقرار صریح به بردگی و بندگی را میطلبد و هر
 موضعی جز این را، دشمنانه خواهد دانست.
 بنابراین این دیگر تنها انقلاب نیست که صفوف
 خود را مشخص میکند، بلکه اینک ضد انقلاب نیز به
 مرز بندی بین خود و خلق پرداخته است. بدین
 جهات اکنون باز هم بیشتر از پیش تایید میشود که
 هیچ شیوه دیگر مبارزه بدون آنکه در چهارچوب و
 پیروی از مشی مبارزه مسلحانه قرار گیرد، معنا
 ندارد. نه راههای رفرمیستی و مبارزه قانونی، نه
 اصلاح مساومت آمیز اجتماعی و شیوه های باصطلاح
 کمک و تعاون، نه نظریه و خطابه و منبر، نه موسسات
 خیریه و عام المنفعه و نه راه حل های فرصت طلبانه،
 هیچ کدام کوچکترین منافی برای خلق زحمتکش ما
 ندارد. اینها تمام آب به آسیاب دشمن ریختن و در
 نتیجه از در سازش و تسلیم با او درآمدن است. در
 چنین شرایطی دیگر حتی جائی برای باصطلاح بسو

طرفانه زندگی کردن و سکوتهای صوفی منشانه و عزلت
نشینیهای روشنفکرانه باقی نمانده است. چنین شیوه
ها و موضعگیریهای سازشکارانه بسرعت ، به غلطیدن
در غرقابی که رژیم برای چنین نیروهائی تهیه دیده
است ، خواهد انجامید .

ما اکنون لازم میدانیم به تمام این نیروها ،
نیروهائی که هنوز در حالت گیجی و تردید بسر میبرند ،
هشدار بدهیم که تنها يك راه در مقابل دارند و آن
پیوستن به صفوف انقلابی خلق است . در این راه ما
نه تنها شیوه های فرعی مبارزه ، کارمخفی سیاسی -
فرهنگی ، کارمخفی افشاگری - توضیحی در میان
توده ها و تشکل مخفی آنانرا و یا مبارزه صنفی -
اقتصادی طبقات مختلف را نفی نمیکنیم ، بلکه عمیقاً
معتقدیم که تمام این اشکال لازم بوده و باید در چهار
چوب استراتژی مبارزه مسلحانه بعنوان اصلیتیرین راه
رهائی خلق سازمان داده شوند . از این نظر صفوف

انقلابی خلو تمام اشکال ممکن مبارزه را که عمدتاً به
شکل مخفی صورت میگیرد ، در حول شکل اصلی آن
یعنی مبارزه مسلحانه در بر میگیرد .

از توده های مبارز ما ، کارگران - دهقانان - روشنفکران
روحانیون مرفق - پیشه وران - بازاریابان - دانشجویان
و دانش آموزان - زنان و مردان انقلابی !

دشمن توطئه سیاه را یگری را برای تحکیم و
اشاعه خفقان و دیکتاتوری خود بشکل حزب پلیسی
رستاخیزتدارک دیده است . شما با پیوستن خود به
صفوف انقلابی خلو ، این توطئه دشمن را خنثی کنید .
جلو دار این صفوف را اکنون سازمانهای مسلح پیشتاز
تشکیل میدهند . ما رزمندگان سازمان مجاهدین
خلو ایران از شما میخواهیم که با پیوستن به
صفوف انقلابیون ، با پشتیبانی از جنبش مسلحانه و
حمایت از سازمانهای مسلح پیشتاز ، امر وحدت

نیروهای خلق را در مقابل وحدت نیروهای دشمن
محفوظ سازید .

نابود باد دیکتاتوری سیاه شاه جنایتکار
شکوفان ترنهاد جنبش مسلحانه خلق ایران
مستحکمتر باد وحدت انقلابی تمام نیروهای خلق

" سازمان مجاهدین خلق ایران "

۵۲/۱۲/۲۱

اطلاعیه سیاسی - نظامی شماره ۲۲

درباره :

اجرای حکم انقلابی

اعدام مستشاران امریکائی

این است پاسخ ما به کشتار وحشیانه فرزندان

انقلابی خلق در زندانهای شاه جنایتکار

در ساعت ۶ و ۴ دقیقه بامداد روز چهارشنبه
۳۱ اردیبهشت ۵۴ ، همزمان با بازگشت شاه جنایت
کار از مسافرت توطئه آمیزش به آمریکا ، حکم انقلابی
اعدام دوتن از مستشاران تجاوزکار آمریکائی در
ایران " سرهنگ شفر " و " سرهنگ دوم ترنر " توسط

يك واحد از رزمندگان سا زمان مجاهدین خلق ایران
اجرا گردید .

انقلابیون ما در حالیکه از دو طرف راه را بر
اتومبیل حامل سرهنگان بسته بودند ، بر روی آنها
آتش شلیک کردند . این دو مزدور در اثر آتشباری
مجاهدین در دم کشته شدند . راننده ایرانی دو
سرهنگ تجاوزکار که دستورات فرماندهی عملیات
مبنی بر عدم مقاومت در مقابل رزمندگان ما را بخوبی
اطاعت نموده بود ، بدون اینکه کوچکترین آسیبی
ببیند ، در صحنه عملیات سالم بر جای ماند . بدین
ترتیب ما بار دیگر ثابت کردیم که گلوله های ما تنها
سینه نیروهای استثمارگر و تجاوزکار ، یعنی دشمنان
خلو را نشانه خواهد گرفت .

عده های از مردم و بخصوص تعدادی از کارگران
ساختمانی که در آن نزدیکی مشغول کار بودند ،
در صحنه عمل جمع شده و آشکارا از اعدام تجاوز

کاران آمریکائی بدست پیشتازان انقلابی خلق را ضربه
 می نمودند . رفقا ما پس از اطمینان از موفقیت عمل و
 پخش اعلامیه های توضیحی در میان مردم ، بسا
 فریاد های : "مرکز بر امپریالیزم آمریکا" ، "مرد بر شاه
 جنایتکار" و "زنده باد انقلاب مسلحانه خلق" صلحانه
 عملیات را ترک کردند و سالم به پایگاههای خود
 بازگشتند . در این عملیات اسناد و مدارک کمی در
 سرهنگ آمریکائی به نفع انقلاب مصادره شد که در فرصت
 مناسب محتویات آن افشا خواهد شد .

چرا مستشاران نظامی آمریکا را اعدام کردیم؟

این دو مستشار معدوم از جمله بیست هزار نفر
 نظامی متجاوز آمریکائی بودند که اینک در میهن ما
 به مکیدن خون مردم زحمتکش ما و حفظ و حراست رژیم
 دیکتاتوری شاه جنایتکار مشغولند و مخفیانه سرکوب
 خونین و خفقان بر حدی را که از ظرف دستگاههای

پلیسو - نظامی شاه بر خلق ما اعمال میشود ،
رهبری میکنند .

اعدام این سرهنگان امپریالیست آمریکائی ،
مخصوصا به انتقام خون ۹ فرزند دلاور خلق : شهید
محمد جهانزاده ، شهید احمد جلیل افشار ، شهید
عزیز سرمدی ، شهید بیژن جزنی ، شهید حسن ضیا ،
ظریفی ، شهید کاظم ذوالانوار ، شهید مصطفی
جوان خوشدل ، شهید مشعوف کلانتری و شهید
عباس سورکی صورت گرفت . این انقلابیون در روز ۳۰
فروردین ۴۵ بعد از تحمل شکنجه های وحشیانه
در ژیان ساواک و شهربانی بدستور شاه خونخوار ،
این نوکر سرسپرده امپریالیسم آمریکائی ، بادستهای
بسته هدف گلوله سلسله های آمریکائی - اسرائیلی
قرار گرفتند و آنگاه پلیس وحشی شاه بیشرمانه ادعا
کرد که آنها در حال فرار کشته شده اند .
اعدام این دو آمریکائی تجاوزکار از طرف سازمان

ما به معنای پاسخ روشن و برگشت ناپذیر خـلق
 رنج دیده و زیر ستم ماست به دیکتاتوری سیاه رژیم
 پهلوی ، پاسخ آشکاری است به رژیم دست نشانده
 و اربابان آمریکائی او، که دیگر غارتگریها و ظلم و
 ستم بـه حد آنها تحمل نخواهد شد . این عطیات
 نشان داد که خلق ما بهیچوجه در مقابل فشار
 وحشیانه و شکنجه های حیوان صفتهای که بـر
 هزاران رزمنده اسیر در سیاهچالهای ساواک و
 شهربانی وارد میشود ، ساکت نخواهد نشست .

خلق ما تحمل نخواهد کرد که بهیچترین
 فرزند ان مبارزش هر روز به بهانه های بعد از شکنجه
 های طولانی و مستمر به رگبار مسلسل بسته شوند ،
 تا آقایان امپریالیستهای آمریکائی و نوکران درباری
 آنها با خیال راحت به چپاول و غارت ایران بپردازند
 اینک خلق ما در زیر رگبار مسلسل های آمریکائی رژیم
 در زیر شلاق ساواک زمان امنیت شاه و در زیر زنجیر

ظلم و استثمار بیحد امپریالیستهای آمریکائو ونوکرا را
داخلی آنها ناله نمیکند ، او پیکر خونین خود را بلند
میکند و سلاح بردون میگیرد . خلو ما راه بدست
آوردن آزادی ، راهی را که خلق کبیر ویتنام و کامبوج
ولا عوس پیروزمندان پیموده اند ، یعنی راه قراردادن
قهر انقلاب در مقابل قهر ضد انقلاب ، قراردادن
قدرت انقلاب در مقابل قدرت ضد انقلاب و پیش رفتن
تا نابودی کامل دشمن را بخوبی آموخته است .

رژیم شاه خائن بار شکستهای امپریالیسم آمریکا را در هند و چین بردون خلقهای منطقه تحمیل میکنند

امپریالیستهای جنایتکار آمریکائو که بدنبال
شکستهای مفتضحانه و خردکنندهای در ویتنام ،
کامبوج و لا عوس ، از جنوب شرق آسیا اخراج شده اند ،
اکنون قصد دارند با تحکیم رژیمهای ارتجاعی و وابسته

در غرب آسیا، مخصوصاً با تحکیم موقعیت رژیم ارتجاعی شاه خائن در ایران، موضع سلطه طلبانه و غارتگرانه خود را در خلیج فارس و اقیانوس هند حفظ کنند. از نظر امپریالیستها، منطقه خلیج و اقیانوس هند هم بدلیل اوجگیری مبارزات انقلابی خلقهای آن و انعکاس ضربه مرگبار هند و چین با امپریالیسم در این قسمت از آسیا و هم بدلیل وابستگی روز افزونی که اقتصاد بحران زده سرمایه دار جهانی به ذخایر عظیم زیر زمینی و سود ناشی از استثمار وحشیانه خلقهای این منطقه دارد، هر روز بیش از پیش اهمیت ویژه مییابد. بدین جهات، از هم اکنون و در آیند معمد، فشار امپریالیستی بر آسیا، بر این نقطه وارد خواهد شد. اما فشار نیروهای ضد امپریالیستی در سطح جهانی و صرباتی که امپریالیسم از مبارزات انقلابی خلقهای تحت ستم، مخصوصاً از ضربه وحشتناک کار و هیتنام و کامبوج دریافت کرده، همچنین اوجگیری

و تشدید بحرانهای اقتصادی - سیاسی - اجتماعی
 درونی آمریکا ، امپریالیستهای خونخوار آمریکائی را
 اینک در وضع بسیار اسفناک و نومیدکننده ای قرار داده
 است. آنها میبینند که در سرازیر سقوط افتاده اند و
 سرنوشت مصیبت بار امپراطوری غدار انگلستان اینک
 در انتظار آنهاست. آنها از قسمت مهمی از آسیای
 مرکزی و شرقی (چین و ویتنام...) بشدت اخراج
 شده اند درحالیکه در آسیای غربی ، در خاورمیانه و
 منطقه اقیانوس هند هم ، مقاومت انقلابی خلقها علیه
 آنها شدت گرفته است. در چنین شرایطی است که
 امپریالیستها دیگر تا مدتها جرئت و توانائی یک
 دخالت مستقیم نظامی را در این قسمت از آسیای
 آسیای باختری در خود نمی بینند .

مقاومت انقلابی و پیروزی پرشکوه خلقهای
 ویتنام ، کامبوج ، لائوس ظاهراً درسهای شکننده ای
 به امپریالیستهای آمریکائی داده است. امپریالیستها

ظاهراً فهمیده‌اند که خلقهای اینسور آسیا گورستان
 بزرگتر برای آنها آماده کرده‌اند. از این نظر سعی
 دارند اینبار دست نشانده‌گان منطقه‌ای خویش را که
 تا دندان مسلح کرده‌اند به پیشواز چنین سرنوشتی
 بفرستند. درین میان رژیم مزدور شاه جنایتکار برابر
 سرکوب هرچه خونین‌تر انقلابات داخلی و مبارزات
 مسلحانه او گرفته‌اند. خلع ایران و همچنین برای ایفای
 نقش ژاندارمی در منطقه و سرکوب جنبشهای انقلابی
 خلقهای آن مخصوصاً خلقهای انقلابی خلیج، طغیان
 بلوچستان و... استعداد های شگرفی از خود بروز
 میدهد! این استعداد از یکطرف ناشی از تمایلات
 ماجراجویانه و سلطه طلبانه سرمایه داری حاکم ایران
 و خواست درونی او برای ایفای یک نقش امپریالیستی
 در منطقه است و از طرف دیگر بشدت تحت تاثیر سر
 سپردگی و وابستگی این رژیم به امپریالیزم آمریکا قرار
 دارد. با این توضیح، از یکطرف حرص و آرزو افزون

شاه برای حراج بیشتر نفت و بدست آوردن پول بیشتر و از طرف دیگر شتاب او برای پای بوسی اربابان آمریکائیش و تاکید روی لزوم "ادامه رهبری آمریکادر جهان" مخصوصا در شرایطی که سقوط سگان همزنجیرش لون نول و وان تیو در کامبوج و ویتنام او را بشدت از وضع مشابهی در ایران وحشتزده کرده است، معنای اصلی خویش را پیدا میکند . بدین ترتیب امپریالیستها در وجود شاه خائن ورژیش، سگ وفاداری را میبینند که میتواند بخوبی تا مدت‌ها منافع آنها را در منطقه حراست کند . و شاه نیز در وجود امپریالیستهای آمریکائی ، این اربابان قدرتمند قدیمی ، پشتیبانانی را میابد که حاضرند او را تا دندان مسلح کنند و به جان خلقهای منطقه بپندازند .

ایجاد ورهبری سا زمان سرکوب پلیس و ارتش در ایران توسط مستشاران و جاسوسان جنایتکار آمریکائی ، یعنی همان کسانی که میلیون‌ها تن از مردم

بیگناه هند و چین را زیر رگبار مسلسلها و خود کار و با بمبارانهای جهنمی خود تکه پاره میکردند، و همچنین فرستادن ریچارد هلمز، این جاسوس و آدمکش بیس الملو و رئیس سابق سازمان جاسوس آمریکا (سیا) بعنوان سفیر در ایران، جزئی از همین نقشه مژورانه یعنی تبدیل رژیم ایران به قدرت مسلط و سرکوب کننده منطقه برادر پاسدار منافع امپریالیزم آمریکا بنمبار میروند.

بدین ترتیب مرحله جدیدی در تهاجم امپریالیستی به آسیا آغاز میشود. در این مرحله قسمت غربی اقیانوس هند و در قلب آن ایران بگانون تضادها و امپریالیزم و خلقهای منطقه تبدیل میشود. از این قرار بدون جهت نیست که رژیمهای ارتجاعی منطقه و در راس آنها رژیم مزدور شاه، تحت رهبری مستقیم امپریالیزم آمریکا اکنون با سرعت هرچه بیشتر به سرکوب خونین و جهتدار مردم منطقه مشغول شده اند.

عطیات انقلابیون ما در صبحگاه ۳۱ اردیبهشت
 به امپریالیستهای آمریکائی و مزدوران ایرانی‌شان، شاه
 و طبقه حاکمه نشان داد که در این مرحله جدید چگونه
 از آنها و نقشه مزورانه جدیدشان استقبال میشود!
 اینک امپریالیستهای آمریکائی باید بدانند که خلق
 ما مبارزه آشتی ناپذیر خود را علیه دیکتاتوری و ظلم
 و استثمار شاه و دیگر مزدوران طبقه حاکم ایران آغاز
 کرده است. امپریالیستها و نوکران داخلی آنها باید
 بدانند که اگر خلق کبیر ویتنام ۳۰ سال مردانه جنگید
 تا آزادی و استقلال خود را بدست آورد، اکنون ما
 حاضریم ۱۰۰ سال بجنگیم. اگر امپریالیسم تا گردن
 در مردابهای ویتنام و هند و چین فرو رفت، ما حاضریم
 تا فرق سر او را در گردابهای اقیانوس هند فرو ببریم!!
 آری خلقهای غرب آسیا گورستان بسیار فراختری را
 برای امپریالیزم و تمام دست نشاندهگان محلی آن
 تدارک دیده‌اند!

ای توده های عظیم خلق ما !

کارگران ، دهقانان ، روشنفکران ، روحانیون ، پیشه
وران ، بازاریان ، دانشجویان ، دانش آموزان ، زنان
و مردان انقلابی :

امپریالیستهای آمریکائی و رژیم ارتجاعی شاه
جنایتکار بزرگترین دشمنان مردم رنج دیده ما و خلقهای
تحت ستم منطقه هستند . آنها هر روز توطئه های
بزرگتری برای سرکوب مبارزه مردم ما و خلقی منطبقه تارک
می بینند . آنها همان کسانی هستند که هم اکنون شماره
عظیمی از فرزندان راستین و مبارز شمارا در سیاهچالهای
ساواک و شهرستانی در حالیکه به تخته شلاق بسته
شده اند و بدنهایشان با اجاق برقی و شوک الکتریکی
سوخته است ، به بند کشیده اند . آنها کسانی هستند
که دیکتاتوری سیاه شاه جنایت کارا برپا نگه داشته اند
و به اوپاشان و قاتلان سازمان امنیت شاه اجازه داده
اند تا ایران را بیک زندان بزرگ تبدیل کنند . آنها

کسانی هستند که چون زالو، خون شما مردم زحمتکار
ایران را می‌کنند و منابع ثروت طبیعی شما را غارت
میکنند .

توده های مبارز و زحمتکار ما !

مبارزه انقلابی خود را علیه دیکتاتوری شاه
جنایت کار و سلطه امپریالیزم آمریکا بر میهنمان ، شدت
بخشید . در حول سازمانهای مسلح پیشتاز متشکل
شوید و مبارزه خود را در تحت چنین تشکیلاتی تا نابودی
کامل دشمن ، شاه و اربابان آمریکائیس ، بانجام برسانید .

نابودی دیکتاتوری شاه جنایتکار رساندن نجیری آمریکا
پرتوان تربادستان انتقام گیر فرزندان انقلابی خلق
نابودی نفوذ سلطه طلبان امپریالیزم آمریکا در منطقه

"سازمان مجاهدین خلق ایران"

۵۴/۲/۳۱

اطلاعیه سازمان مجاهدین خلق ایران
درباره :

عمل ناموفق اعدام دیپلمات امریکایی

در ادامه عملیات نظامی سازمان و در رابطه با هدفهای سیاسی تعیین شده، مقارن ظهر روز پنجشنبه ۱۲ تیرماه ۶۵، یک واحد عملیاتی که مأموریت اعدام دیپلمات آمریکائی "دونالد آربونا" به آنها محول شده بود، در تقاطع خیابانهای هاشمی و خردمند راه را بر اتومبیل سرویس آمریکا بستند و بر روی آن آتش گشودند.

طبق شناسائیهای قبلی، دیپلمات مذکور در صندلی عقب و در کنار دو کارمند زن سفارت می نشست. بدلیل تیره بودن فضای داخل اتومبیل و بی دقتی مسئول شلیک در تشخیص دیپلمات آمریکائی

و همچنین اشکالاتی که در سیستم خبررسانی و افراد
مسئول آن در طرح وجود داشت، کارمند ایرانی
سفارت که آنروز بصورت اتفاقی بجای او نشسته بود،
هدف گلوله قرار گرفت و کشته شد. در این جریان
طبعاً به دو کارمند ایرانی زن و راننده اتومبیل، طبق
برنامه اصلی طرح، هیچگونه آسیبی نرسید.

سازمان مجاهدین خلق ایران بدینوسیله ضمن
ابراز تأسف عمیق خود از این واقعه و همدردی با
خانواده و بستگان این فرد ایرانی، مسئولیت این
عملیات اشتباه آمیز را مستقیماً بعهده میگیرد. مسلماً
چنین اشتباهی مورد بررسی عمیق و ریشه‌ای ما قرار
خواهد گرفت و رفقای که با یقین و قوت خود در ایجاز
چنین حادثه‌ای تأسف انگیز، نقر موثری داشته‌اند -
با توجه باین اصل که "تنها کسی اشتباه نمیکند که عمل
هم نمیکند" - مورد انتقاد و حتی تنبیه نصابی واقع
خواهند شد.

مواضع کلی ما در قبال شکست ها ، ضعفها

و اشتباهات موجود در سطح جنبش مسلحانه

توضیحات ما در این زمینه ، در موارد زیر خلاصه
میشود :

۱- بنظر ما ضعفها ، شکستها و اشتباهات موجود
در سطح جنبش مسلحانه نمیتواند امری غیر طبیعی و
غیر ممکن باشد ، چرا که بهر حال در شرایط کنونی
جنبش نهای خلق ما در موضع ضعفتری نسبت به
دشمن قرار دارد و از طرف دیگر طبیعت قهرآمیز
مبارزه خونینی که هم اکنون بین خلق ما و رژیم خونخوار
و تاندان مسلح شاه جنایتکار در جریان است ، بما
میآموزد که اشتباهات ولو کوچک ، بسادگی میتوانند
به حوادث خونین و تاسف انگیزی بدل شوند. هرچند
که اینگونه حوادث ، موارد بسیار معدودی از خسارات
و قربانیهای فراوانی را تشکیل میدهد که خلق ما بهر
حال در جریان مبارزه سخت و طولانی اش برای نیل

به آزاد در محمل خواهد شد. اما آنچه که در این میان ضرورت حیاتی مییابد در این مسئله است که تنها در جریان برخورد صادقانه و مسئولانه با همین اشتباهات و ضعفها و شکستهاست که جنبش خلق میتواند پایه های مستحکم پیروزیهای درخشان آینده را پی ریزد نماید.

۲- بعد از این عمل اشتباه آمیز، اظهار نظرها، سئوالات و تعابیر سیاسی گوناگون درباره این مسئله و عمدتا در جهت توجیه آن عنوان شد. حتی عده ای از عناصر پشتیبان جنبش، ناآگاهانه در صد این بر آمدند که بنحوی این اشتباه تاکیکی را با هدفهای استراتژیک جنبش مسلحانه منطبق نمایند. ما در اینجا برای بازهم روشن تر شدن همه این ابهامات، بار دیگر اعلام میداریم که استراتژی عملیاتی ما بطور کلی بر سه محور ضد امپریالیستی - ضد سرمایه داری

وابسته (کمپرادور) و ضد سلطنتی قرار دارد . بر
 مبنای همین نقطه نظرهای استراتژیک است که در این
 مرحله ارگانهای امپریالیستی که حمایت بی چون و
 چرای رژیم ایران را در دستور قرار داده اند ،
 ارگانهای مختلف طبقه حاکمه مزدور ایران ، ارگانهای
 اعمال دیکتاتوری و استثمار وحشیانه او و تمام عناصر
 خائن بطلت ، مغرورین ضد ملی و استثمارگرانی که
 مستقیماً در خدمت منافع این طبقه و در خدمت
 منافع امپریالیزم و رژیم دیکتاتوری- پلیسی وابسته به
 آن قرار دارند و عملاً در قبال جنبش انقلابی خلق
 موضع خصمانه اتخاذ نموده اند ، مورد حمله ما واقع
 میشوند . کلیه عملیات نظامی ما نیز تاکنون در رابطه
 با چنین محورهای قابل تبیین اند . مطابق این
 تحلیل ، یک کارمند ساده هرچند که کارمند سفارت
 آمریکا باشد ، نمیتواند و نبایستی هدف عملیاتی ما
 قرار گیرد ، زیرا که بسیاری از کارمندان و عناصر پائین

رژیم کسانی هستند که تضادهای مشخصی با رژیم
دیکتاتوری دارند و این امکان همیشه وجود دارد که
تحت شرایطی به حامیان جنبش خلق تبدیل شوند .

۳- همچنین بنظر ما همانطور که اعلام و توضیح
پیروزیهها و موفقیتهای جنبش از طرف سازمانها و
گروههای عمل کننده ضرورت دارد ، بعهدہ گرفتن
مسئولیت ضعفها و اشتباهات و عواقب ناشی از آن
ضروریست . زیرا داشتن يك موضع صافانه در مقابل
خلق که خود انعکاس برخورد مسئولانه در درون
سازمانها و گروههای انقلابی است ، متقابلا تعهد
ما را در قبال خلق افزون ساخته و بدین طریق است
که میتوانیم از تکرار اشتباهات و حاکمیت ضعفها
جلوگیری کنیم .

مسئله درك نکردن مسائل فوق و عدم برخورد

مشخص و جدی با آنها ، زمینه را برای رواج بی نظمی و هرج و مرج در میان جنبش انقلابی ، از طریق انجام عملیات غیر مسئولانه بوسیله انقلابی نماهای فرصت طلب و یا حتی عناصری که ناآگاهانه دست بمعملیات کور و انحرافی میزنند ، فراهم میسازد . در چنین صورتی طبیعی خواهد بود که رژیم توطئه گر شاه کوشش خواهد کرد که با استفاده از چنین دستاویزها عی به منظور مخدوش کردن رابطه اعتماد آمیز خلق و انقلاب ضربات بیشتری برپیکر انقلاب خلق وارد آورد . درحالیکه برخورد مسئولانه و صادقانه نیروهای انقلابی و مبارز در چنین مواردی نه تنها بطور دراز مدت نمیتواند مورد سوء استفاده رژیم قرار گیرد ، بلکه با ایجاد یک رابطه اعتماد آمیز بین خلق و انقلاب ، هرگونه توطئه رژیم را درهم خواهد شکست .

سرانجام پیروزی از آن نیروهای انقلابی است

" سا زمان مجاهدین خلق ایران "

۵۴/۴/۲۰